



ابوالقاسم طالبی(فیلمساز)



محمد کاسبی (بازیگر)



رسول ملاقلی پور (فیلمساز)



شهربار بحرانی (فیلمساز)



پرویز شیخ‌طاهای (فیلمساز)



دواد میریابقری (فیلمساز)



حسین یاری(بازیگر)



پروانه معصومی (بازیگر)



مهدی فقیه (بازیگر)



ابراهیم حاتم‌ی کیا(فیلمساز)



سلحشور (فیلمساز)



هادی محمدیان(بونا ننا)



مجید مجیدی (فیلمساز)



شهید آوینی(فیلمساز)



جواد اردکانی(فیلمساز)

جمال شورهجه (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی(فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهربار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ‌طاهای (فیلمساز)

دواد میریابقری (فیلمساز)

حسین یاری(بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتم‌ی کیا(فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

هادی محمدیان(بونا ننا)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی(فیلمساز)

جشنواره عمار و **ایجاد نظم جدید در سینمای ایران**

هفت سال قبل بود که اخباری دربارهٔ شکل‌گیری شتاب‌زده یک جشنواره جدید شنیده می‌شد. این جشنواره، هم اسم متفاوتی داشته، اما هم فیلم‌های منحصر به فردی و هم موضوع خاصی. جشنواره عمار، در سال ۸۹ با کمتر از ۲۰ فیلم کوتاه و مستند که اغلب آن‌ها نیز به طور آماتور و خودانگیخته ساخته شده بودند کلید خورد. کارگردان‌های این فیلم‌ها سعی داشتند تا روایت دسته اول و بکری را درباره مسائل سیاسی آن مقطع، آن هم از زبان و نگاه لایه‌های پنهان جامعه نمایش دهند. برای اولین‌بار می‌شد در یک رویداد فرهنگی، صدا و نظر آدم‌های ساکن در روستاها، شهرهای دورافتاده و حتی ایلات و عشایر درباره آنچه سال ۸۸ در فضای سیاسی ایران رخ داد را دید و شنید. تا به حال هیچ کس نظر دهقان مزارع آستان خراسان، دخترهای قالی‌باف لرستان یا کارگرهای کوره‌برخانه‌های اطراف تهران را درباره آن حوادث شنیده بود. اما عمار، رسانه ای صداها و تصاویر شده بود. تاختر در قلب کودتای اشراف و اشرار داخلی و خارجی، با سلاح دوربین و قلم، سنگ بنای این گردهمایی شد. با برهنه‌ها این بار با هنر خودشان می‌خواستند هیمنه رسانه‌ای زرسالاران را زمین‌برزند.

آن موقع کمتر کسی فکرش را می‌کرد که جشنواره

مهدی تقویان یکی از پر کارترین فیلمسازان حاضر در هفتمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار است که پنج فیلم دارد. البته، تقویان به‌ه طور کلی، جزو مستندسازهای بسیار فعال است که آثار بسیار زیادی را به ویژه در حوزه تاریخ معاصر و همچنین مسائل سیاسی روز داخل و خارج از کشور تولید کرده است. «برادران» یک نمونه از فیلم‌های جسور و در عین حال افشاگرانه این مستندساز جوان است که واقعیت‌های تازه‌ای را درباره متن و حواشی فتنه سال ۸۸ بر ملا کرد.

«آقای تقویان! نکته قابل توجه دربار فعالیت فیلم سازی شما این است که در عین پرکاری و کمیت بالا،همیشه هم به موضوعات تازه و بکر می‌پردازید و نتیجه کارتان نیز کیفیت بالایی دارد. چطور به‌ه توازن میان کمیت و کیفیت بالا دست یافتید؟»

من چون خودم به تاریخ معاصر و به ویژه تاریخ انقلاب علاقه‌مند هستم و با توجه به اینکه در این زمینه کم کار شده، به همین دلیل هم کارهای من بیشتر به چشم می‌آید. اما درباره پرکاری باید بگویم که خودم را متوقف و محدود به نهادهای دولتی نمی‌کنم و منتظر جایی نمی‌مانم. چون اگر ما مستندسازها بخواهیم منتظر بروکاری و مسائل اداری نهادهای دولتی بمانیم، وقت و پول زیادی را از دست می‌دهیم و به درجا افت می‌شویم. برای همین سعی می‌کنم که موضوعاتی که به نظر مهم هستند و باید درباره آن‌ها کار شود را با عزم شخصی انجام دهم. البته امروز دیگر با توجه به سابقه به وجود آمده، نهادهای مختلف فرهنگی، لطف دارند و از من پشتیبانی می‌کنند. منتها من یک مقداری به خاطر فرآغ التحصیل این رشته هستیم و گروه خوب و کاملی هم در اختیار دارم، چندان متکی و منتظر حمایت‌ها نمی‌مانم و خودم کار را جلو می‌برم.

« استقلال از نهادهای دولتی، نکته بسیار مهمی در فعالیت فرهنگی انقلابی است. چون اساسا هنر و به ویژه مستندسازی انقلابی، در فضای جهادی و چریکی شکل می‌گیرد. شما به عنوان کسی که تجربه فعالیت فیلم سازی مستقل از حمایت‌های ارگان‌ها را دارید، فکر می‌کنید که جشنواره عمار چگونه می‌تواند برای فیلم سازی جهادی و چریکی، الگوسازی کند؟»

به نظر من جشنواره عمار، کار خود را به درستی انجام می‌دهد. چون وظیفه اصلی این جشنواره، فضاسازی خبری و پروپاگاندای ژورنالیستی برای فیلمسازانی است که در این عرصه کار می‌کنند. با برگزاری هر دوره از جشنواره عمار، اتفاقات خبری بسیار خوبی برای فیلمسازان جشنواره عمار می‌افتد. امروز با برگزاری جشنواره عمار، مکانی وجود دارد که فیلم‌هایی که در این حوزه ساخته می‌شود هم دیده می‌شود، برخلاف قبل از راه‌اندازی جشنواره عمار که چنین امکانی نبود که دربار موضوعات مرتبط با انقلاب اسلامی بیشتر کار کنند.

« خود فیلمسازان چطور؟ یعنی یک فیلمساز جوان و فاقد پشتیبانی ارگان‌های فرهنگی، چطور می‌تواند به طور چریکی آثار مدنظرش را تولید کند؟»

یکی از مهم‌ترین موارد این است که تکنیک کار را به خوبی آموزش ببینند. وقتی تکنیک را به درستی یاد بگیرند، اولاً دیگر تکنیک زدگی اتفاق نمی‌افتد و محتوا می‌توانند در خدمت تکنیک قرار بگیرند. چون اغلب فیلمسازهای هم چنین‌ها، ما حرف‌های بسیار زیادی برای زدن دارند، منتها اینکه این حرف‌ها چطور زده شوند هم خیلی مهم است. دوم هم اینکه برخی از فیلمسازهای خوش فکر و خوش تکنیک که حرف‌های خوبی هم برای زدن دارند را می‌بینیم که گویا یک مقداری دچار تعارف هستند. چون برخی از این دوستان، بسیار با احتیاط کار می‌کنند و دچار نوعی محافظه کاری هستند و به برخی از موضوعات مهم کم توجهی می‌کنند. مثلا درباره موضوعاتی تاریخ انقلاب اسلامی، فتنه ۸۸ و… فیلم نمی‌سازند که من احساس می‌کنم که یک مقداری با خود یا اطرافیشان رو در بایستی دارند و نمی‌خواهند

عمار ادامه پیدا کنند. اما عمار نه تنها به راه خود ادامه

داد که امروز به یکی از جریان‌های تأثیرگذار در فضای

رسانه‌ای کشورمان تبدیل شده است.این جشنواره دوست داشتنی، محل تولد و پرورش ایده‌های آینده سینمای ایران شده است. جایی که در آن قرار است بارهای بر زمین مانده فرهنگ و هنر این جامعه از زمین برداشته و در آسمان پرفراشته شود.جشنواره عمار یعنی تمرین برای برهم زدن نظم‌های فرسوده و عصیان‌گرایی جوانان



مواقع خود را کاملا روشن بیان کنند.

« برای حل مشکل بودجه چه باید کرد؟ چون

به طور طبیعی فیلمساز چریکی، یعنی تولید، بدون پروداکشن بزرگ و بودجه! امروز هم برای بچه‌های علاقه مند به فیلم سازی به ویژه در افشار کم

در آمد، این مسئله وجود دارد که چگونه فیلم‌های مورد علاقه خود را بدون حمایت و بودجه بسازند؟»

این حرف درست است و خود من هم با این

مهم به نظر می‌رسد که طی دو دهه اخیر، بحران مخاطب هموار اساسی‌ترین معضل سینمای ایران بوده و هدف برای سینمای انقلاب است. برگزار کنندگان این حرکت، این بار طرح «سازمان تماشا» را رخته‌اند. اما چگونه و چطور؟ پرداختن به این موضوع، مجال مفصل را می‌طلبد اما فعلا در قالب ارکان‌های مردمی در نقاط مختلف کشور،

این جریان در حال اتفاق است. مسئله مدنظر برگزار کنندگان جشنواره عمار از آنجا

برای رسیدن به نتیجه و ایجاد سازمان تماشا برای سینمای متعهد و انقلابی، باید زیربنای مسئله، یعنی تولید اصلاح شود. به این معنی که یکی از دلایل کمبود مخاطب بیشتر فیلم‌های سینمای ما، ضعف درام است. مطابق سیاستگذاری‌های دولتی رویکرد اصلی تولید فیلم به ویژه در سینما جوانان، فیلم‌های به اصطلاح آوانگارد و ضدداستان است. به نظر می‌رسد که فیلمسازان جوان سینمای انقلاب باید از این خلأ بهره لایز را ببرند و با تولید فیلم‌های دراماتیک، پاسخگوی نیاز مخاطب و دارای چابنه روایی و داستانی، در حوزه مخاطب یابی نیز کارآزمایی جدیدی را فتح کنند. همچنین فعالان عرصه سینمای انقلاب، از جمله جشنواره عمار، نباید منتظر حمایت صحنه گردانان آشکار و پنهان، سینماداران و افرادی هستند که به مافیای ارکان مشهور هستند. این طیف از فیلمسازان، همان طور که در زمینه تولید، باید خودجوش

روند رو به رشد کیفیت و کمیت آثار است. از این نظر، هیچ جشنواره‌ای به عمار شباهت ندارد. جشنواره‌های متعددی هر سال برگزار می‌شود، اما آنقدر که جشنواره عمار به استعدادیابی و تقویت فیلمسازهای جوان کمک می‌کند، هیچ یک از دیگر جشنواره‌ها این توان را ندارد. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این جشنواره،

مردمی بودن آن است. به همین دلیل هم فیلم‌های این جشنواره در تمام نقاط و حتی دور افتاده‌ترین مناطق کشور هم دیده می‌شوند. این اتفاق هم برای فیلمساز اهمیت دارد، چون کارش دیده می‌شود و می‌تواند نظر مخاطب خودش را بباند و هم برای مردم که به آن‌ها به عنوان مخاطب اصلی، اهمیت داده شده است. چون اغلب جشنواره‌ها محل رفت و آمد یک عده افراد خاص هستند، اما عمار محل رفت و آمد همه مردم است. **« چه نقاط ضعفی را در این جشنواره می‌بینید؟»**

من چون جشنواره عمار را خیلی دوست دارم، به همین دلیل هم نقاط ضعف آن را نمی‌توانم ببینم. **حضور ثابت در همه دوره‌های جشنواره عمار**

ما ساسان فلاح هر هفتم، طلحه سطح یک حوزه علمیه، ۲۴ سال سن دارم. حدود چهار سال است که کار مستندسازی می‌کنم. تمرکز اصلی کارم در این زمینه نیز جبهه مقاومت است.

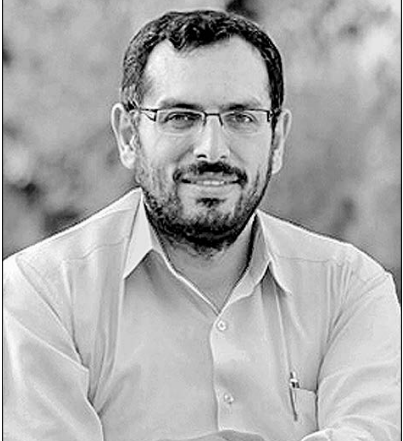
« چطور شدد که تصمیم گرفتید در کنار طبلگی، فیلم هم بسازید؟»

اگر حرفی بخواهد ماندگار شود، بهتر است که در قالب هنر بیان شوند. چون هر چیزی در قالب هنر شکل بگیرد، ماندگاری آن بیشتر و توجهاش را جلب می‌کند و تأثیر بیشتری می‌گذارد. حرف‌هایی که ما می‌خواهیم در رابطه با جبهه مقاومت بزنیم، به ویژه در این بحبوسه به وجود آمده، بهتر است با هنر بیان شود و بهترین زبان خودم فیلم و مستند است.

« چطور فرصت پیدسا می‌کنید که در کنار

گفت‌وگو با سه کارگردان فعال در هفتمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار

جنگ گرم فرهنگی با سینمای چریکی



محمد مهدی خالقی

برنامه‌های علمی و دینی تعداد بسیار زیادی هم فیلم بسازید؟

ما یک گروه خیلی خوب داریم که باعث شده سرعت تولید آثار بالا برود. البته بنده توفیق رفتن مقرر و تبلیغ از طریق سنتی را ندارم و کار تبلیغی خودم در این عرصه را با فیلم انجام می‌دهم.

دوره از جشنواره عمار رونمایی می‌شود؟

من فیلم را برای دیده شدن می‌سازم، یعنی فیلم می‌سازم برای اینکه مخاطب آن را ببیند و آنچه می‌خواهد را برداشت کند. پس معمولا سعی می‌کنم به سرعت موجز پخش فیلم‌ها را بگیرم و آن‌ها را در تلویزیون و فضای مجازی پخش کنم. اغلب فیلم‌هایی که به جشنواره عمار ارائه داده‌ام، قبلا نمایش داده شده‌اند، اما تعدادی فیلم جدید هم هست که ارکان اول آن‌ها در جشنواره عمار انجام می‌شود. مثل فیلم «سیاه نور» که کار مشترک گروه رسانه‌ای لسگر قاطمبون با شبکه افق است.

« با توجه به اینکه در دوره گذشته هم در این جشنواره حضور داشتید، فکر می‌کنید تفاوت دوره چه تفاوت‌هایی با قبل دارد؟»

به نظر من جشنواره عمار در زمینه نمایش فیلم و پروپاگاندای خبری درست، به قله رسیده است. اما حفظ این جایگاه از رسیدن به قله، سخت‌تر است. هر چندر برگزاری جشنواره منظم‌تر باشد و نمایش فیلم‌ها کیفیت بالاتری انجام شوند و شرایط استانداردتری حاکم باشد، بیشتر به نفع این جشنواره خواهد بود.

طلحه جوان با ۱۳ فیلم در جشنواره عمارا

فعال‌ترین فیلمساز هفتمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار، یک طلحه جوان است؛ ساسان فلاح فر، یکی از استعدادهای آینده سینمای کشورمان است. او در کنار تحصیل علوم دینی و درس طبلگی، دوربین هم به دست گرفته و اخیرا نیز اثری قابل توجه به نام «برادر پالمیرا» در زمینه مدافعان حرم ساخته است. او گاهی با لباس مقدس و به طور معمم به کارگردانی می‌پردازد

چون معتقد است که فعالیت هنری و فیلمسازی وی در ادامه کار طبلگی‌اش است.

« با توجه به اینکه شما یکی از چهره‌های جوان والبنه‌فعال سینمای جوان محسوب می‌شود، بهتر است برای شروع این گفت‌وگو ابتدا خودتان را معرفی کنید.

من ساسان فلاح هر هفتم، طلحه سطح یک حوزه علمیه، ۲۴ سال سن دارم. حدود چهار سال است که کار مستندسازی می‌کنم. تمرکز اصلی کارم در این زمینه نیز جبهه مقاومت است.

« چطور شدد که تصمیم گرفتید در کنار طبلگی، فیلم هم بسازید؟»

اگر حرفی بخواهد ماندگار شود، بهتر است که در قالب هنر بیان شوند. چون هر چیزی در قالب هنر شکل بگیرد، ماندگاری آن بیشتر و توجهاش را جلب می‌کند و تأثیر بیشتری می‌گذارد. حرف‌هایی که ما می‌خواهیم در رابطه با جبهه مقاومت بزنیم، به ویژه در این بحبوسه به وجود آمده، بهتر است با هنر بیان شود و بهترین زبان خودم فیلم و مستند است.

« چه نقاط ضعفی را در این جشنواره می‌بینید؟»
من چون جشنواره عمار را خیلی دوست دارم، به همین دلیل هم نقاط ضعف آن را نمی‌توانم ببینم. **حضور ثابت در همه دوره‌های جشنواره عمار**

ما محمد مهدی خالقی یک ساله ام. حدود چهار سال است که کار مستندسازی می‌کنم. تمرکز اصلی کارم در این زمینه نیز جبهه مقاومت است.

دوره‌های جشنواره عمار حضور داشته و از این نظر، می‌توان او را صاحب جایگاه دانست. خالقی با فیلم‌های «فاتح»، «بیرم»، «آهنگر»، «پایان غروب» و «سید حامد» در هفتمین جشنواره عمار حضور دارد. **« یکی از سسؤالانی که ممکن استت برای بسیاری پیش بیاید این است که چرا از جشنواره عمار به عنوان جشنواره‌ای مردمی یاد می‌شود؟»**

شما به عنوان تنها کارگردانی که در همه دوره‌های این جشنواره حضور داشته‌اید، چه تفسیری از مردمی بودن دارید؟»

جشنواره عمار از ابتدا تکلیف خود را با خودش مشخص کرده است. تکلیف، برگزاری یک جشنواره سینمایی با پیوست اجتماعی بوده است. یعنی خواسته سامانه و سازمانی را بسازد که جزو ستون‌های اصلی آن، تماشا و مردم باشد. نمود چنین رویکردی، ارکان‌های مردمی هستند. هم مردم در ذیل موضوعات فیلم‌ها دیده شوند و هم مردم فیلم‌هایی که درباره خودشان ساخته می‌شود را ببینند. به طور مثال، من سال ۹۲

فیلمی با عنوان «بوستین وارونه» ساختم که هنوز هم در قالب ارکان‌های مردمی، دیده می‌شود. این اتفاق بسیار ارزشمندی است. جاری بودن در زمان و ارتباط با مردم در این جشنواره، یک واقعیت غیرقابل انکار است و من به عنوان یک فیلمساز، مردمی بودن عمار را شهادت می‌دهم.

«رئیس‌شورای سیاستگذاری جشنواره عمار، گفته که هدف اصلی این جشنواره، ایجاد سازمان تماشا برای آثار سینمایی انقلاب است. به نظر شما جشنواره عمار چطور می‌تواند این سازمان را ایجاد کند؟»

عمار یک جشنواره جهادی و انقلابی است که فیلمسازان آن یک لشکر هستند، به نظر من این لشکر در این حوزه جبهه‌ها و فتح خاکریزهای جدید است. جبهه جدیدی که جشنواره ارکان و تماشاقت، پر فروش‌ترین فیلم‌های سینمای ما کمتر از سه میلیون نفر بوده است. یعنی ۷۷ میلیون ایرانی سینما نمی‌روند و نسبت به آثار سینمایی بی‌توجه هستند. عمار قصد دارد در ارکان‌های مردمی خود این مخاطب بالقوه را بالفعل کند. یعنی مردم را پای دیدن فیلم‌هایی که در ارکان‌های سینمایی مظلوم واقع می‌شوند بیاورد. مثل

اتفاقی که برای فیلم «بیتیم خانه ایران» افتاد و به این فیلم ارزشمند ظلم شد.

«چه نقاط ضعفی را در جشنواره عمار می‌بینید؟»

یکی از مهم‌ترین خلأها در سیستم برگزاری این جشنواره وعملکرد دبیرخانه و ستادها و مراکز آن نظم است. عدم حضور در فضای مجازی، یکی دیگر از خلأهای جشنواره عمار است. همچنین عمار باید شبکه تلویزیونی هم داشته باشد، البته به صورت محدود و با نمایش چند ساعت برنامه در طول روز. نکته مهم دیگر هم ضعف حضور در عرصه بین‌المللی مردمی خود این مخاطب بالقوه را استراتژیک جهانی داشته باشد، نه صرفا در جهان اسلام، بلکه در همه دنیا اما عمار هنوز در عرصه بین‌المللی قدم بلندی برداشته است. جزو آرزوهای ما این است که عمار به نقطه‌ای برسد که آن شاهانه، هم مردم طور مخاطب آن هستند، برای این جشنواره وقف هم کنند و ما جریانی با عنوان وقف عمار داشته باشیم.

صفحه ۷
دوشنبه ۱۳ دی ۱۳۹۵
۳ ربیع الثانی ۱۴۲۸ - شماره ۲۱۵۲۶



میم مثل مادر مجاهد…

حاشیه‌نگاری افتتاحیه هفتمین جشنواره عمار

درباره جشنواره عمار زیاد شنیده‌ام اما این بار می‌خواهم خودم با چشم خودم ببینم. سوز بدی می‌آید، با خودم فکر می‌کنم در این سرما هم باز استقبال مثل هر سال خواهد بود؟! قبل از ورود به سالن انتظار سینما دو تا میز که رویش شاخه‌های گل رز قرمز بود حسایی جذیب می‌کنند، روی یکی پیشخوان نوشته است برای خانواده‌های شهید. دلم می‌خواست من هم یکی از آن گل‌ها را داشتهم.

عوامل پشت صحنه در تکاپو و تلاش بودند تا ستون‌هایی که بنر عمار خورده بود را در جای خودش بگذارند دو ستون در وسط قرار داشت که متناسب با شعار جشنواره زن مجاهد بنر خورده بود. وقتی خوب دقت می‌کنی همه تصویر حضور حماسی زنان است؛ عکس یک مادر در بدرقه پسرش یا در تشییع پاره تشش و دختری که عکس امام را دارد.

در راهرو کنار میز ثبت نام ارکان مردمی بنری زده‌اند و یک پسر جوان چسب به دست این طرف و آن طرف می‌دود و عکس می‌چسباند کنجکلو می‌شوم و کلون می‌روم قبل از این فکر می‌کردم عکس‌های آزادی حلب باید با عکس ارکان‌های مردمی است؛ ارکان پشت نیمکت‌های مدرسه تا درون مسجد! خانم جوانی مجله را زیر و رو می‌کند، می‌خواهم سوزه‌ام باشد که خودم در دام می‌افتم و شکار سوزه‌اش می‌شوم. ظاهرا عصر از طرف یک شبکه تلویزیونی مامور گرفتن گزارش می‌شود و کمترین اطلاعاتی از عمار ی‌ها ندارد. وقتی با هیجان برایش درباره شنیده‌هایم از عمار می‌گویم برقی در نگاهش می‌دود که جشنواره‌ای به این خوبی چرا در تلویزیون تبلیغ ندارد! سعی می‌کنم هرچه زودتر خودم را خلاص کنم تا از دیگر اتفاق‌ها جا نمانم.

مادر چند شهید هم وارد می‌شوند و من پشتشان داخل سالن می‌شوم ساعت ۱۸ و ۱۰ دقیقه است و فقط نیمی از صندلی‌ها پرشده در ردیف‌های جلو خانواده‌های شهیدان نشسته‌اند و انتظامات در رفت و آمدند. دنبال صندلی می‌گردم که بتوانم راحت به بیرون بروم. نزدیک یک خانمی مسن می‌شوم، می‌پرسم شما خانواده شهید هستید؟ لیخند گرمی می‌زند و می‌گوید نه! با شک می‌پرسم از مسئولین جشنواره!اید؟سروش را تکان می‌دهد. بین دوراهی ماندنم که می‌گویم فیلمساز هستم! ذوق می‌کنم، نمی‌تواند راحت صحبت کند در دفتر چه‌ام اسم مستندش را می‌نویسد و امضا می‌زند: یزدان‌پناه! کارگردان مستند میم مثل مسجد! آ مثل آتش.

کالسکهای قرمز نظرم را جلب می‌کنند، خانمی جوان دختر بچه‌ای بغلش است. سر صحبت را باز می‌کنم همسر یکی از بزرگ‌دیدگان، مهدیارقلبی است؛ وقتی درباره سختی آوردن بچه می‌پرسم جواب جادایی می‌دهد: سخت هست اما می‌خواهم جهادی را ببیند مثل خودم و پدرش! موقع خداحافظی در جواب جمله‌ام که آن‌شاه‌الله همسر تون را روی صحنه ببینیم جوابی می‌دهد که شو که می‌شوم؛ آن‌شاه‌الله امان زمان ببیندشون ما که کسی نیستیم!

دلم تاب منتظر ماندن ندارم و می‌خواهم همفلس مدران شهید شوم اما مسئولین موکول می‌کنند به بعد مراسم. انقدر اصرار می‌کنم که راضی می‌شوند. همسر شهید سیاح طاهری و طباطبایی ردیف اول نشسته‌اند و قاب عکس همسرشان را در دست دارند. باز هم فکر می‌کنند خبرنگار هستم! خانم‌ها هم از موسسه جهادی در حال گرفتن شماره تماس برای مصاحبه است. دست بعضی خانواده‌ها به جادای گل رز، گل ترگی است اما نمی‌دانم چرا؟!

مادر شهیدان خالقی پور تمام براره‌های ذهنی‌ام از مقاومت را بهم می‌زند. برابر استقبالش هیچ قدرت و حرفی ندارم و فقط می‌گویم برای ما دعا کنید. مادر شهید موسوی‌زاده خانم خیلی خوش اخلاقی است که مادام قربان صدقه می‌رود. درباره فعالیت جهادی‌شان می‌پرسم که همراهم درحالی که روسریشان را مرتب می‌کنند می‌تجعب می‌گویند: فعالیت! دیوار به دیوار مسجد بودن و کار کردن بعد خود مادر با چشمان اشکبار و لیخند دلنشینش از عشق پرشش می‌گوید. از تذکر مدیر مدرسه که بچه‌ها را جمع کن دردرس‌ساز است و… محو تماشاای این بانوی بزرگ هستم که سرود جمهوری اسلامی راس ساعت ۱۸ و نیم پخش می‌شود و انتظامات می‌خواهد حرفم را تمام کنم.پس از سرود و تلاوت قرآن توسط محمدمهدی آزند فرزند مدافع حرم، با سلامی متفاوت مراسم آغاز می‌شود: سلام بر شکوه حماسه‌ها سلام بر ۹ دی! میدا تاریخ هجرت

سلام شهیدان و نه حقوق‌های نجومی … سلام بر جرم شهادت و نه بر بجرام سلام بر حماسه زنان…

حسن عجیبی در دلم قوت می‌گیرد بعدش از تک تک آنهاهی که نیستند نام می‌برد: سلحشور و قصه‌های قرآنی‌اش، سبزواری با خمینی‌ای امام‌ش و شهیدان خالقی پور با سه فرزند شهیدش چشمان پر از عشق مادر شهیدان خالقی پور پیش چشمانم می‌آید و اهی عمیق می‌کنم.

اما حماسه هست چون شیرزبان هستند. این جمله در گوشم زنگ می‌زند و برنامه با اجرای علی صدیقی‌نیا شروع می‌شود. کمتر کسی است که با شنیدن این صدا خاطره دکتر سلامی‌ها برایش تداعی نشود.

بسم‌الله افتتاحیه را دکتر طالب‌زاده می‌گویند دو نفر کنار من نشسته‌اند و درباره ترور بیولوژیکی حرف می‌زنند و برای استاد دع می‌کنند. حصار سه صلوات برای سلامتی‌شان می‌فرستند به محض ورود مجری می‌گوید: حاج آقا بنیینیم شما رو با عملا

روی سن عکس تصویری از حلب و خرمشهر دیده می‌شود و نواریهایی مشابه نوار فیلم با رنگ پرچم کشورم که زینت بخش دکور شده است. ردیف‌های جلویی سالن به احترام برمی‌خیزند و خیرنگارها هم حسایی جولان می‌دهند و عکس می‌گیرند. برخلاف سخنران کوتاه صحبت می‌کنند و قبل این که مردم در گوشه‌هایشان فرود روند سخن را تمام می‌کنند. مجری در توضیح بخش‌ها می‌پردازد. دوربینی جلوی دید من را می‌گیرد یاد حرف همان دختر می‌افتم: حتما بنویسی‌ها! خوب بنویس دیده شه!

از دیگر اتفاقات جذاب افتتاحیه پخش کلیپ تیزر داروان بدون صدا به دلیل نقص فنی و چاشنی‌های طلنز مجری است. استقبال عجیب مردم از پوشش «دستکش ننه عصمت» و فرستادن دستکش به دبیرخانه از سال گذشته تاکنون و تقدیم جایزه ننه عصمت به محسن اردستانی توسط یکی از خواص‌ترین عوام به نقل حضرت آقا حاج ابوالقاسم صدیقی هم جذابیت‌هایی است که نمی‌توان نادیده گرفت. با بردن اسم حاج آقا صدیقی سالن به احترام می‌ایستد و صلوات می‌فرستد. دختر بچه‌ای از بلند شدن ناگهانی مردم می‌ترسد و مات و مبهوت نگاه می‌کند. با دستن حاج آقا جایزه آقا محسن اهدا می‌شود و مردم گوشه به دست برای عکاسی با خبرنگاران رقابت می‌کنند.مسئولین سالن با



صندلی‌هایی وارد سالن می‌شوند و درست جایی که فکر می‌کردم می‌توانم راحت تردد کنم صندلی می‌چینند در دل به بخت بدم لغمت می‌فرستم.یکی دیگر از جذابیت‌های مراسم برگزیده شدن دختر شهید باقری است، دختری نوجوان ۱۲ ساله که آرزوش کارگردانی در مسیر پدرش است. از دیگر اتفاقات جذابی که حین دادن جایزه می‌افتد بالا رفتن مهدیار عقالی در حالی که بچه بغل دارد به روی سن است. همین باعث می‌شود مردم آرزوهای دست برزند تا دختر کوچولو بیدار نشود. شاید می‌خواست با این کار بگوید جهاد هست چون شیرزبان هستند!ا سلام و صلوات از بین صندلی‌ها در هم گره خورده خارج می‌شوم تا کمی هم از اجول حاشیه‌نشینان با خبر شوم. نزدیک ۴۰ نفر سرا بر برنامه را می‌بینند. به محض ورود به راهرو آقای وحید جلیلی را می‌بینم، تسبیحی در دستش دارد و با سه جوان مشغول صحبت است.

در چهار جنب سالن دوربین خبرنگار مشغول گرفتن گزارش هستند. هر برگزیده‌ای خارج می‌شود با هجوم خبرنگاران همراه است اکثرا با همسرشان آمده‌اند و صبر آنها را عامل جهادشان می‌دانند. همان جمله «جهاد هست چون شیرزبان هستند» که براف تکرار می‌شود. تصویربردارها مراقبت هستند کسی از مقابل دوربین در نهد. سالن به قدر کلی شلوغ هست بعضی از مردم با اکراه راهشان را کج می‌کنند و می‌روند. ظاهرا بسته‌های پذیرایی خانم خیرالنسا رسیده؛ مردها چیه‌هایی جلوی در سالن‌ها می‌آورند و انتظامات هم با تندلی پلاستیک نان محلی بیرون می‌آورند. مسئول انتظامات تاکید می‌کنند که پذیرایی از سمت چپ باشد و نیروهای رهاگش را تقسیم می‌کنند؛ در لحظه آخر تکرار می‌کنند که اولویت با اون‌هایی هست که نشسته‌اند به رهگذرها فعلا ندنهد. با شروع پذیرایی راهرو کمی خلوت‌تر می‌شود. آقای جلیلی را به طبقه بالا می‌خواند و من وارد سالن می‌شوم که دختر خانم دیباغ دعوت به سخنرانی می‌شود. ظاهرا همسر خانم دیباغ هم هستند اما به دلیل فرار از دوربین رخ نمی‌نمایند.

مدتی که در سالن نبودم مادر شهید موسوی‌زاده انگشتر همسرشان را تقدیم آقای دارابی می‌کند. مادر شهیدان خالقی پور- منای حقیقی صبر- که از قدیمی‌های عمار ی هستند چغی‌های به نشان جهاد تقدیم جشنواره می‌کند و آرزو دارد جشنواره جشنواره جشنواره برگزار شود. ساعت نزدیک ۲۰ و ۲۰ دقیقه است هنوز مراسم تمام نشده اما باید برگردم. وسایلم را جمع می‌کنم و صندلی‌ام را به کناری‌ام می‌دهم و از در خارج می‌شوم. دو ساعت از مراسم گذشته اما هنوز همه با حرارت و اشتیاق گوش می‌دهند و صدی تلویزیونی را تسویق می‌کنند. وحید جلیلی در حالی که روی پلاکاست یکی از مسئولین را صدا می‌زند می‌خواهد مردمی که نفرها هستند بشنوند. هنوز چند شاخه گل رز روی میز جشنواره است و من و دو گل‌های ترگی را سرهم می‌دهم.اد از سالن سینما خارج می‌شوم سوز بدی می‌آید اما دلم گرم است که در دل همین مردم عماران انقلاب زنده‌اند. دلم گرم است که جهاد هست چون شیرزبان هستند…

فاطمه سادات رضوی علوی